

## بررسی تطبیقی و موضوعی *ارتهه‌شاستره* کاوتیلیه و *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک طوسی<sup>۱</sup>

نازنین خلیلی‌پور<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمد تقی راشد محصل

استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۲۰

### چکیده

رساله سنسکریت *ارتهه‌شاستره* تصنیف کاوتیلیه، تألیفی از حدود قرن سوم ق.م، نوشته‌ای است در آیین کشورداری و پادشاهی در هند. این کتاب، که از نظر عنوان شباهت‌های نزدیک با *سیاست‌نامه* یا *سیرالملوک* خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر مشهور دوره سلجوقی و مؤسس نظامیه‌های ایران، دارد، تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده و اصولاً به وجود چنین اثری در آثار ادبی و تاریخی ایران اشاره‌ای نرفته است. این مقاله بر آن است که ضمن معرفی کتاب *ارتهه‌شاستره* به خوانندگان فارسی‌زبان، برخی فصل‌های آن را از جهت موضوعی با مطالب کتاب *سیاست‌نامه* مقابله کند، وجوه افتراق و تشابه مطالب دو کتاب را بازنمایاند، و از این راه تفاوت اندیشه سیاسی دو نویسنده را تا حد امکان مشخص نماید. نیز به دنبال این است که در خلال این بررسی بتواند درجه توفیق دو نویسنده را در بیان مقصود و کاربرد توصیه‌های هر یک را در کشورداری و بهره رسانیدن به خواستاران معین کند. در نهایت، با توجه به اینکه کتابی مانند *ارتهه‌شاستره* با تمام ویژگی‌های یک سیاست‌نامه مطلوب در دست است، مسئله این مقاله این است که آیا اساساً کتاب *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک را نیز در مقایسه با *ارتهه‌شاستره* کاوتیلیه، می‌توان سیاست‌نامه نامید؟

**واژه‌های کلیدی:** سیاست‌نامه، اندیشه سیاسی، آیین کشورداری، *ارتهه‌شاستره*، خواجه نظام‌الملک طوسی، کاوتیلی

۱. این مقاله از رساله دکتری اینجانب، نازنین خلیلی‌پور، به راهنمایی جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل و مشاوره سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی و جناب آقای دکتر فتح‌الله مجتبابی استخراج شده است.  
۲. رایانامه نویسنده مسئول: khalilipoornazanin@yahoo.com

## مقدمه

پیوند ایران و هند در مسائل زبانی و فرهنگی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر به گذشته‌های دور می‌رسد، به زمانی که این دو تمدن زیر نام قوم هندوایرانی چند قرن با یکدیگر زندگی مشترک داشتند و سرانجام در حدود سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق.م از یکدیگر فاصله گرفتند؛ گروهی به مناطقی از هند رسیدند و گروه دیگر به درون فلات ایران سرازیر شدند، زبان آنان نیز به تدریج از یکدیگر فاصله گرفت و خلق‌و‌خو و رفتارهای اجتماعی و پندارهای فرهنگی آنان نیز تفاوت‌های ساختاری پذیرفت. اما اینان همچنان در بن‌مایه و ریشه ارتباط و همانندی خود را نگه داشتند و هنوز هم بازتاب این روابط را به خوبی می‌توان دریافت. شباهت و همسانی زندگی عملی، برداشت‌های فرهنگی و آیین‌های رفتاری و اجتماعی آنان را در آثار باقی‌مانده از سده‌های پیشین و مجموعه‌های اخلاقی، به‌ویژه اندرزها و آیین‌های دینی آنان، می‌توان دید. مقایسه میان این آثار در دو تمدن شخص را به مشابهت‌هایی رهنمون می‌کند که تاکنون کمتر بدان‌ها توجه شده است و نشان می‌دهد که این دو تمدن در روش‌های کشورداری و آنچه امروز به‌عنوان مسائل سیاسی از آن‌ها نام برده می‌شود نیز همانندی داشته‌اند. مهم‌ترین بخش ادبیات دوره میانه فارسی به اخلاق و اندرز اختصاص دارد که از ارکان اصلی معتقدات دینی سخن می‌گوید و رفتارهای شخصی، اجتماعی، سیاسی و شیوه زندگی درست را بر مبنای آموزه‌های دینی بیان می‌کند، و بسیاری از آنها به زبان فارسی دری نیز درآمده یا در لباس ترجمه‌های عربی به ایران اسلامی انتقال یافته است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۸۰).

در هند، دانش (ویدیه)<sup>۱</sup> و آموزه (شاستره)ها<sup>۲</sup> و شاستره‌نویسی رابطه نزدیکی با دین داشته است. دوره ودایی دوره توسعه و بسط تعریف مکتب‌های مختلف علمی بود و چهار بخش (عضو) ودا و تفسیرهای مربوط به آن‌ها محصول همین دوره است. پس از این دوره، به موضوعات مختلف در قالب شاستره‌نویسی از منظر ودا نیز توجه شد (Keith, 1993: 403). در پی همین سنت، رساله‌هایی که درباره ارته<sup>۳</sup> نوشته می‌شد با نام ارته‌شاستره مشهور شدند و اینها یا مربوط بودند به زندگی عملی انسان یا دستورالعمل‌هایی بودند اغلب درباره سیاست یا اقتصاد (Gowen, 1968: 157; Winternitz, 1976: 418).

از نظر کاتیلیه، برای ارته‌شاستره‌نویسی دو هدف را می‌توان متصور شد: نخست اینکه نشان دهند یک فرمانروا چگونه می‌تواند سرزمینش را حفظ کند که این «حفاظت»<sup>۴</sup> به شیوه‌های اداری، دولتی و حکومت‌داری مربوط بود؛ دوم اینکه نشان دهند چگونه سرزمین و قلمرو را می‌توان به دست آورد که این «به دست آوردن»<sup>۵</sup> اساساً به فتح سرزمین‌های دیگران مربوط بود و سیاست خارجی دولت را معین می‌کرد، و این اهداف تمام فعالیت‌های

دولت را تحت تأثیر قرار می‌دادند (رتبه‌شاستره، کتاب ۱، بند ۱؛ Kangle, 1972: 1). از این رو، رتبه‌شاستره را می‌توان دانش‌کشورداری و سیاست نیز نامید. رتبه‌شاستره نویسی نوعی اثر ادبی با ویژگی‌های خاص است و شباهت‌هایی با دیگر انواع ادبی مانند دهرمه‌شاستره‌ها دارد؛ با این تفاوت که در دهرمه‌شاستره‌ها بر موارد اخلاقی و مذهبی تکیه می‌شود، در حالی که در رتبه‌شاستره، افزون بر رعایت موارد اخلاقی، انتفاع مالی و سیاسی نیز اهمیت می‌یابد (Keith, 1993: 451). دورانی که رتبه‌شاستره‌ها در هند تألیف می‌شدند دوره توسعه آشکار نظریه‌های سیاسی و سازمان اداری بود. قطعاً در این زمان‌ها نوشته‌های پرشماری درباره علم سیاست نوشته شده که امروزه مفقود شده‌اند و آنچه باقی مانده اندکی است از بسیار. در این میان، *رتبه‌شاستره* اثر کاوتیلیه از همه برجسته‌تر و مهم‌تر است، زیرا جامع‌ترین سیاست‌نامه‌هاست و در سراسر دوره ادبیات کلاسیک سنسکریت همچون معیاری در زمینه سیاست شناخته می‌شود (Majumdar, 1960: 140).

در آثار بازمانده از فارسی و بیشتر در خلال اندرزنامه‌های پهلوی می‌توان مطالبی پراکنده اما مشابه با مطالب *رتبه‌شاستره* یافت. همچنین، در کتاب‌هایی مانند *نامه تنسر*، *سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک طوسی*، *نصیحه‌الملوک* (منسوب به) غزالی و *آداب‌الحرب و الشجاعه* محمد بن منصور فخر مدبر و در قالب داستان‌های پندآمیز، مانند داستان‌های مذکور در آثار عطار نیشابوری، *جوامع‌الحکایات عوفی* و *مثنوی معنوی*، می‌توان مطالبی اندرزگونه درباره کشورداری مشاهده کرد.

### ۱. پیشینه و اهداف پژوهش

رساله سنسکریت *رتبه‌شاستره* تاکنون به زبان فارسی ترجمه نشده است، اما ترجمه‌های خوبی به زبان انگلیسی از این متن در دست است (Kangle, 1972; Olivelle, 2013; Shamasastry, 1956). با این حال، هندشناسان غرب از دیدگاه‌های مختلف این متن را کاویده و اهمیت آن را به‌عنوان متنی کلاسیک دریافته‌اند؛ برای نمونه، ناراسینگ‌ها سیل این متن را با آثار ارسطو و ماکیاولی مقایسه کرده است (Sil, 1989). از آنجایی که *رتبه‌شاستره* تاکنون در میان خوانندگان فارسی‌زبان شناخته نبوده است، نویسنده این مقاله مجبور بوده است نخست کتاب *رتبه‌شاستره* را توصیف کند تا بتواند قدم در راه مقایسه آن با دیگر آثار بردارد. آن‌گاه متن *سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک* را با روشی تحلیلی-توصیفی با *رتبه‌شاستره* کاوتیلیه مقایسه کرده است. آشکار است که کتاب‌های دیگری مانند *کليلة و دمنه* نیز اندرزهایی در باب حکومت‌داری دارند، اما کتابی خاص در این زمینه به شمار نمی‌روند و مطالبشان منظم نیست. از این رو، *سیاست‌نامه خواجه*

نظام‌الملک، که نام سیاست‌نامه دارد و مدعی ارائه اندرزهای سیاسی است، برای این مقاله انتخاب شده است. این مقاله در پاسخ به این مسئله نگاشته شده که کدام‌یک از این دو کتاب در سیاست‌نامه‌نویسی به معنای درست و علمی (نه اندرزنامه‌نویسی صرفاً اخلاقی) موفق‌تر بوده است. آیا اگر کتابی مانند *ارتهه‌شاستره* را به‌عنوان سیاست‌نامه‌ای معیار فرض کنیم، آن‌گاه می‌توان کتاب خواجه نظام‌الملک را نیز سیاست‌نامه نامید؟ و اگر سیاست‌نامه نیست، خواجه از چه منظر به سیاست می‌نگریسته است که او را از کاوتیلیه متمایز کرده است؟

## ۲. *ارتهه‌شاستره* اثر کاوتیلیه

*ارتهه‌شاستره* اثر کاوتیلیه کاری بسیار گران‌مایه دربارهٔ سیاست و کشورداری است. از لحاظ لغوی *ارتهه* معنای مصالح، سود، هدف و ثروت و *شاستره* معنای آموزه دارد و مجازاً در معنی کتاب و روی‌هم‌رفته به معنای کتاب مصالح کشوری است. برخی نیز البته معنای علم مسائل مادی را از *ارتهه‌شاستره* برداشت کرده‌اند (Winternitz, 1967: 418). کانگل، بر اساس موضوع کتاب و نیز تعاریفی که کاوتیلیه از هر بخش آن ارائه کرده، *ارتهه* را مادهٔ معیشت<sup>۷</sup> انسان در نظر گرفته و معنای «سرزمین مسکون با انسان» از آن تعبیر کرده است و با اتکا به نخستین بخش از کتاب مذکور — که در آن آمده است این *ارتهه‌شاستره* به‌دست آموزگاران پیشین برای حفظ سرزمین نگاشته شده — *ارتهه‌شاستره* را علمی دانسته است که اسباب نگهداری و حفاظت از سرزمین را فراهم می‌کند (Kangle, 1986: 1).

نویسندهٔ کتاب خود را برهمن کاوتیلیه معرفی کرده، اما در دو بند پایانی اشاره شده که نویسندهٔ آن، ویشنوگوپته<sup>۸</sup>، نوشته‌ها را از شر پادشاهان بد نجات داده است. بسیاری از پژوهشگران هم بر این باورند که کاوتیلیه همان چانکیه<sup>۹</sup> وزیر چندره‌گوپتهٔ ماوری بوده است (Fleet, 1914: v). تاریخ تقریبی که می‌توان برای این اثر در نظر گرفت میان ۳۲۱-۲۹۶ ق.م است که سبک کهن کتاب نیز آن را تأیید می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد که مضامین آن نیز متعلق به همان دوران باشد. برخی بر این باورند که این کتاب را باید نوعی دستورالعمل در نظر گرفت، نه نوعی نظریهٔ سیاسی (Sil, 1989: v). با این حال، امروزه کاوتیلیه به‌عنوان بزرگ‌ترین ارائه‌کنندهٔ هنر حکومت‌داری و برشمارندهٔ وظایف شاه، وزیران و لشکریان و امرای نظامی و نیز ارائه‌دهندهٔ شیوه‌های حکومت‌داری شناخته شده است. سیاست‌مداران غربی تا اوایل قرن بیستم با او و اندیشه‌هایش آشنا نبودند. اما پس از شناخت آن، لقب ماکیاولی هندی به وی دادند (Liebig, 2014: 1). ماکس وبر، جامعه‌شناس

آلمانی، نخستین دانشمند غربی بود که به اهمیت این کتاب پی برد. وبر در ۱۹۱۹م، در خطابه مشهورش به نام «سیاست به‌عنوان پیشه»<sup>۱۱</sup> در دانشگاه مونیخ، به این قضیه اشاره کرد و در مطالعات اجتماعی و مذهبی که درباره هندوئیسم انجام داد، از این کتاب سود جست (Weber, 1988: 555; Idem, 2008, 620f., 687). نخستین بار، شاماساستری<sup>۱۲</sup>، در اوایل قرن بیستم، این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرد و سبب آشنایی جهانیان با آن شد. این رساله پانزده کتاب یا فصل دارد که هر کدام از این کتاب‌ها به موضوعی اختصاص دارد و *آدمی‌کارنه*<sup>۱۳</sup> نامیده می‌شوند. روی هم رفته، کتاب ۱۵۰ بخش یا *آدمیانه*<sup>۱۴</sup> دارد و هر بخش با یک یا چند بیت با قالب *شلوکه*<sup>۱۵</sup> پایان می‌پذیرد. حجم هر کتاب با دیگری متفاوت است؛ برای نمونه، کتاب دوم ۳۶ بخش و کتاب یازدهم تنها یک بخش دارد. هر کتاب به موضوعی خاص مربوط می‌شود. به عبارتی، براساس موضوع یا *پرکرنه*<sup>۱۶</sup> مرتب شده و نام تمام این موضوعات در کتاب اول آمده است. موضوعات و عناوین متن *آرتیه‌شاستره* بدین شرح است:

**کتاب اول** درباره تعلیم و تربیت، ویژگی‌های شاه، وزیران، مشاوران و جاسوسان؛ **کتاب دوم** وظایف سرپرستان و کارداران؛ **کتاب سوم** درباره مسائل حقوقی، زنان، ارث؛ **کتاب چهارم** درباره جرائم؛ **کتاب پنجم** درباره رهبری پنهانی و تثبیت پادشاهی؛ **کتاب ششم** پادشاهی موروثی به‌عنوان یک اصل؛ **کتاب هفتم** سیاست خارجی شش‌لایه؛ **کتاب هشتم** درباره بلایا؛ **کتاب نهم** عملکرد شاه در حملات نظامی؛ **کتاب دهم** درباره جنگ؛ **کتاب یازدهم** سیاست در برابر *آلیگاریشی‌ها*؛ **کتاب دوازدهم** درباره شاه ضعیف؛ **کتاب سیزدهم** راه‌های تسخیر یک دژ؛ **کتاب چهاردهم** درباره تعالیم مخفی، آسیب‌رساندن به دشمن و استفاده از داروها و دعاها؛ **کتاب پانزدهم** روش‌شناسی علوم و نمایه‌ای از تقسیمات بند به بند رساله.

کاوتیلیه در کتاب *آخر آرتیه‌شاستره* درباره روش نگارش کتاب سخن گفته است. او ۳۲ مکتب علمی استادان بزرگ علوم غیردینی هند باستان را برشمرده و در کار خود از دیدگاه مکتب‌هایی مانند انویکشیکی<sup>۱۷</sup> و یوکتی<sup>۱۸</sup> برای دانش فرمانروایی بهره برده است. از نظر او، چهار علم وجود دارد و فرمانروایی یکی از آنهاست. این علوم از درون به یکدیگر مرتبط‌اند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. همچنین این چهار علم، یعنی فلسفه (منطق)، الهیات (وداها)، اقتصاد و فرمانروایی، با چهار غایت زندگی انسان (دهرمه، *آرتیه*، *کامه*، *موکشه*) پیوند دارند و در نهایت باعث فضیلت معنوی و مادی انسان خواهند شد (نک کتاب اول، فصل ۲، بند ۸-۹) و سیاست همه این علوم را در بر می‌گیرد.

نظریه کاتیلیه درصد براندازی نظام سنتی نیست، اما ساختاری که او از دولت شرح می‌دهد تعریف جدیدی به آن می‌بخشد و ساختار و اجزای آن را تبیین می‌کند. در حقیقت، او ساختار یک جامعه سیاسی را به همراه سازوکار آن ترسیم می‌کند. با این حال، ارته‌شناسی جزو علوم غیردینی یا سکولار در هند باستان است که نظریات و روش‌شناسی آن ریشه در سنت فلسفی هند باستان دارد (Chousalkar, 2004: 55-76).

### ۳. سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک

کتاب *سیاست‌نامه* اثر خواجه نظام‌الملک طوسی رساله‌ای است به زبان فارسی درباره آیین کشورداری که نسخه اولیه آن به احتمال بسیار در ۴۸۵ ه.ق و در دوران ملک‌شاه سلجوقی نوشته شده و بعدها، یعنی میان سال‌های ۴۹۲ و ۵۰۵ ه.ق، تکمیل شده است (شعار، مقدمه بر *سیاست‌نامه*؛ نک نظام‌الملک، ۱۳۹۳: پانزده). نویسنده از سال ۴۵۵ تا ۴۸۵ ق پیوسته در دربار البارسلان سلجوقی و پسرش، ملک‌شاه، مقام وزارت داشته است (مدرسی چهاردهی، مقدمه بر *سیاست‌نامه*؛ نک نظام‌الملک، ۱۳۳۴: ۷).

درباره علت نگارش این کتاب چنین گفته شده که ملک‌شاه در اواخر سلطنت خویش از چندتن از وزیرانش خواست که درباره بهترین شیوه کشورداری و تدبیر امور دینی و دنیوی کتابی تألیف کنند تا آن را در دستور کار خود قرار دهد. از میان تمام نوشته‌ها، شاه اثر خواجه نظام‌الملک را پسندید (شعار، مقدمه بر *سیاست‌نامه*؛ نک نظام‌الملک، ۱۳۹۳: پانزده).

کتاب *سیاست‌نامه*، در برخی تصحیح‌ها، مانند تصحیح جعفر شعار (نظام‌الملک، ۱۳۹۳) و تصحیح هیوبرت دارک (همو، ۱۳۴۷)، پنجاه فصل دارد و در برخی دیگر، مانند نسخه شفر که به اهتمام محمد قزوینی و سپس مرتضی مدرس‌ی به چاپ رسیده است، در ۵۱ فصل بخش‌بندی شده است. اما موضوعاتی که در هر دو تصحیح آمده یکسان است و تفاوت تنها در بخش‌بندی فصل‌چهلیم است. به عبارتی، قزوینی این فصل را به دو بخش تقسیم کرده است و اختلافی که بر سر تعداد فصل‌ها وجود دارد از همین جا ناشی شده است. در مقدمه کتاب *سیاست‌نامه* (همو، ۱۳۹۳: ۲-۳) چنین آمده است که کتاب در آغاز ۳۹ فصل داشته و سپس ۱۱ فصل را خواجه به آن افزوده و روی هم‌رفته سخن از پنجاه فصل است.

در اینجا عنوان فصل‌بندی‌ها بر اساس نسخه شفر آمده است:

۱. در احوال مردم و گردش روزگار؛ ۲. در شناختن قدر نعمت ایزد تعالی؛ ۳. در مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو؛ ۴. در عمال و پرسیدن از احوال وزیران و غلامان؛ ۵. در مقطعان و پرسیدن رفتارشان با رعایا؛ ۶. در قاضیان و خطیبان و محتسب

و رونق کار ایشان؛ ۷. در پرسیدن از حال عامل و قاضی و شحنة و شرط سیاست؛ ۸. در پژوهش کار دین و شریعت؛ ۹. در مشرفان و کفاف ایشان؛ ۱۰. در صاحب‌خبران و تدبیر کار ملک؛ ۱۱. در تعظیم داشتن فرمان‌ها و مثال‌های پادشاه؛ ۱۲. در غلام فرستادن از درگاه در مهمات؛ ۱۳. در جاسوسان و تدبیر صلاح مملکت و رعیت؛ ۱۴. در فرستادن پیکان و پرنده‌گان؛ ۱۵. در احتیاط کردن پروانه‌ها در مستی و هوشیاری؛ ۱۶. در وکیل خاص و رونق کار ایشان؛ ۱۷. در ندیمان و نزدیکان و ترتیب کار آن‌ها؛ ۱۸. در مشاورت با دانشمندان و حکیمان؛ ۱۹. در مفردان و برگ‌وساز و کار ایشان؛ ۲۰. در ترتیب سلاح‌های مرصع در بارگاه؛ ۲۱. در معنی احوال رسولان و ترتیب کارشان؛ ۲۲. در ساخته داشتن علف در منزل‌ها؛ ۲۳. در روشن داشتن اموال جمله لشکر؛ ۲۴. در لشکر داشتن از هر جنس؛ ۲۵. در به نوا داشتن و مقیم داشتن لشکر از هر قوم؛ ۲۶. در داشتن ترکمانان و ترکان در خدمت؛ ۲۷. در زحمت ناکردن بندگان وقت خدمت؛ ۲۸. در بار دادن خاص و عام؛ ۲۹. در ترتیب مجلس شراب و شرایط آن؛ ۳۰. در ترتیب ایستادن بندگان و چاکران؛ ۳۱. در حاجت‌ها و التماس‌های لشکر و حشم؛ ۳۲. در شناختن تجمل و سلاح و آلت جنگ و سفر؛ ۳۳. در عتاب کردن با برکشیدگان هنگام خطا و گناه؛ ۳۴. در کار پاسبانان و نوبتیان و دربانان؛ ۳۶. در حق گزاردن خدمتکاران را و بندگان شایسته؛ ۳۷. در احتیاط کردن در اقطاع مقطعان و احوال رعیت؛ ۳۸. در شتاب کردن در کارهای مملکت؛ ۳۹. در امیر حرس و چویداران و اسباب سیاست؛ ۴۰. در بخشیدن پادشاه بر خلق و قاعده و رسم کار؛ ۴۱. در معنی القاب؛ ۴۲. در شایستگی کارداران و عاملان؛ ۴۳. در معنی اهل ستر و مرتبه سپاه؛ ۴۴. در احوال بدمذهبان و دشمنان ملک و اسلام؛ ۴۵. در خروج مزدک و مذهب و پایان کار؛ ۴۶. در خروج سنباد گبر و فتنه او؛ ۴۷. در خروج قرمطیان و باطنیان؛ ۴۸. در خروج باطنیان خراسان و ماوراءالنهر؛ ۴۹. در خزینه و نگاه داشتن قاعده و ترتیب آن؛ ۵۰. در جواب دادن متظلمان و انصاف دادن؛ ۵۱. در نگاه داشتن حساب ولایت و نسق آن.

#### ۴. مقایسه دو اثر

##### ۴-۱. شیوه نگارش و فصل‌بندی

چگونگی آغاز کردن مطالب در هر دو کتاب از مواردی است که باید بدان توجه کرد. نویسنده /رتبه‌شاستره پیش از آغاز هرگونه مطلبی عنوان کرده که «آنچه نوشته خلاصه‌ای از تجربیات پیشینیان است و همه این‌ها برای محافظت از سرزمین نگاشته شده است» (Kangle, 1972: 1)، و سپس به معرفی فصول کتاب و نیز بخش‌بندی‌های

ریز آن پرداخته است. به عبارتی، مؤلف طرحی در ذهن داشته و برای آن چارچوبی معین در نظر گرفته بوده است که لازم دانسته درباره آن سخن بگوید.

سیاست‌نامه در نسخه شفر با مقدمه‌ای آغاز شده که به‌وضوح افزوده نسخه‌نویس است: «چنین گوید ناسخ کتاب‌های خزانه که سبب نهادن این کتاب آن بود که ...» (نظام‌الملک، ۱۳۳۴: ۱). نویسنده در این مقدمه به معرفی خواجه پرداخته و درباره علت نگارش کتاب توضیح داده و سپس عنوان پنجاه فصل کتاب را ذکر کرده است. همچنین همان‌جا آمده است که خواجه ابتدا کتاب را کوتاه‌تر نوشته بود و بعدها افزوده آن را به دست کاتب سپرد تا به کتاب بیافزاید و شمار فصول آن به پنجاه رسید. همچنین در نسخه شاعر مقدمه، پس از حمد و ستایش پروردگار، چنین آغاز می‌شود:

بنده حسین الطوسی چنین گوید ... بنده آنچه در این معنی دانسته بود و دیده و به روزگار تجربت افتاده و از استادان آموخته بود در این خدمت بر پنجاه فصل نهاد، چنانکه فهرست باب‌ها به معنی هر بابی ناطق است. و نیز هر جای و در هر فصلی آنچه لایق بود از اخبار و حکایات از گفته بزرگان آورد تا به وقت خواندن ملال نگیرد و به طبع نزدیک‌تر باشد و بسیار فایده اندر این کتاب است: چون بخوانند و به کار دارند، ثواب هر دو جهانی به حاصل آید (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲-۳).

تا اینجا می‌توان گفت تقریباً هر دو با یکدیگر مشابهت دارند، با این تفاوت که خواجه خود برای کتابش فصل‌بندی نیاورده، اما کاوتیلیه در کتاب اول عنوان تمامی بخش‌ها و فصول را ذکر کرده و اشاره‌ای به نام ناسخ نشده است.

شیوه نگارش خواجه نظام‌الملک این بوده که موضوع هر فصل را به صورت کوتاه و در حد چند جمله توضیح داده و سپس چند حکایت و داستان را در آن باره آورده است. روایت‌هایی که او آورده گاه تاریخی نیستند و گاه با اشتباهات تاریخی همراه‌اند؛ او تاریخ‌نگار نبوده و هدفش از نگارش کتاب فقط عبرت‌آموزی شاه بوده است (شعار، مقدمه بر سیاست‌نامه؛ نک نظام‌الملک، ۱۳۹۳: چهارده)؛ به عبارتی، این کتاب پر از توصیه‌ها و اندرزهایی است که گاه هیچ روش اصولی و علمی برای اجرای آن داده نمی‌شود و تنها به ذکر حکایت‌ها اکتفا می‌شود. برای نمونه، تنها فصول ۱، ۹، ۱۲، ۱۴-۲۰، ۲۰، ۲۲-۲۳، ۲۵-۲۶، ۲۸-۳۲، ۳۴، ۳۷، ۴۳، ۵۰ (روی هم ۲۳ فصل، بنا بر بخش‌بندی نظام‌الملک، ۱۳۹۳) حکایتی همراه ندارند و بسیار کوتاه‌اند، اما دیگر بخش‌ها با توضیحی از موضوع مورد نظر آغاز می‌شوند و اغلب همراه یک یا دو حکایت مفصل‌اند. بنابراین، راهکارهایی که ارائه شده در حد همان داستان‌هاست و مطلبی افزون بر مسائل اخلاقی زمانه خود، که در حکایت‌ها و داستان‌ها وجود داشته، ارائه نمی‌دهد. گویی خواجه می‌خواسته است مطالب اخلاقی و اجرایی را به شاه یادآوری کند. در ضمن، آن‌طور که از مقدمه ناسخ برمی‌آید،



معلوم نیست که تمام آن حکایت‌ها را خود خواجه نقل کرده و یا اینکه ناسخ آن‌ها را به متن افزوده است. به عبارتی، ممکن است کتاب سیاست‌نامه خواجه بی‌تأثیر از سنت ادبیات شفاهی نمانده باشد.

اما کاوتیلیه شیوه‌ای کاملاً متفاوت دارد. روی هم‌رفته، کتاب کاوتیلیه نوعی نظم منطقی در ارائه مطالب دارد؛ برای نمونه، در فصل اول از کتاب اول کلیه کتاب و بخش‌بندی آن فهرست‌وار معرفی شده، بخش دوم با تعریف علوم مختلف آغاز شده و نظریات گوناگون درباره علوم زمانه مطرح گردیده است. در نظر کاوتیلیه، کشاورزی و دامپروری و بازرگانی علم است و از آن با عنوان *vārttā* یاد می‌شود؛ همچنین فرمانروایی یا دولت را نیز جزو علوم برمی‌شمارد: «منطق (*anvikṣiki*)، ودهای سه‌گانه، اقتصاد (*vārttā*) و دولت (*dandanitti*)، این‌ها نظام‌های علم‌اند» (کتاب اول، فصل ۲، بند ۱؛ Olivelle, 2013: 66). در حقیقت، او برای اینکه از دانش سیاسی و لزوم آن برای پادشاه سخن بگوید، نخست درباره علوم انسانی آن زمان سخن رانده و از مکاتب مختلف در این باره سخن گفته است و از نظر منطقی توجیه کرده که چرا اساساً حکومت‌داری و حفظ آن مهم است و اینکه دانش سیاست پایه تمامی علوم است و همه امور بدان وابسته است. او، در اصل، برای حکومت‌داری دستورالعمل ارائه داده و در هر بخش — اعم از اقتصاد، مشاغل، مسائل حقوقی، سیاست خارجی و داخلی — موضوع را به خوبی توضیح داده و کمتر حکایتی را نقل کرده است و هر جا خواسته به واقعه‌ای اشاره کند، بسیار کوتاه بوده و بنا را بر این گذاشته که خواننده داستان را می‌داند و توضیحی بر آن نیفزوده است. در /رتبه‌شاستره، توجه به مسائل حقوقی و اجتماعی بسیار است، تاجایی که سه فصل رساله (۳-۵) به این مسئله اختصاص داده شده است. فصول /رتبه‌شاستره به دنبال یکدیگر آمده‌اند و نظم منطقی دارند، به گونه‌ای که جابه‌جا کردن برخی از آن‌ها به ارتباط مطالب آسیب می‌زند. در سیاست‌نامه چنین چیزی دیده نمی‌شود.

نکته آخر اینکه /رتبه‌شاستره نثری است آمیخته به نوعی نظم هجایی به نام *شلوگه* و می‌توان آن را تا حدی موزون دانست، در حالی که سیاست‌نامه به نثری ساده و روان و خالی از صنایع ادبی نگاشته شده است.

#### ۴-۲. شیوه مدیریت کشور

نکته‌ای که مشهود است این است که مخاطب هر دو کتاب شخص شاه است که به ظاهر همه امور در دست اوست، اما در چگونگی این اقتدار اختلافاتی میان دو کتاب وجود دارد.

در ارته‌شاستره تمام کارها بنا بر نظمی سازمان‌یافته انجام می‌شود و عمال دولتی به کارهای گوناگون گمارده می‌شوند و این از عنوان‌های شغلی که در کتاب دوم آمده پیداست. شاید بتوان گفت وجود نظام طبقاتی شدید در هند در اثر کاوتیلیه به خوبی منعکس شده است. کاوتیلیه ویژگی‌های عمال و منصب‌داران را، به همراه شرح وظایف آن‌ها، دقیق توضیح داده و به عبارتی ساختار جامعه سیاسی هند را ترسیم کرده است. برعکس در کتاب سیاست‌نامه نقش شاه بسیار پررنگ‌تر و برجسته‌تر نمایانده شده است و در هر مورد، طوری وانمود شده که سرانجام شاه قرار است موضوع را حل و فصل کند و حضور او مانند قهرمانی در سراسر کتاب پیداست. همچنین، حواس شاه باید به همه چیز باشد و نظارت او بر امور باید تام باشد. شاه سیاست‌نامه باید با مردم ارتباط نزدیکی داشته باشد؛ برای نمونه، در فصل سوم سیاست‌نامه آمده است:

چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم نشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه‌ای و چند قصه که مهم‌تر بود باید عرضه کنند ... این خبر در مملکت پراکنده شود که خداوند جهان متظلمان و دادخواهان را ... پیش خود می‌خواند ... (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۲).

چنان‌که روشن است، این مطلب بیشتر جنبه نمادین و شاید تبلیغاتی دارد و توصیه‌ای عملی نیست. مشخص است که هیچ شاهی آن‌قدر فرصت ندارد که به دادخواهی همگان گوش فرادهد. اما در نظر کاوتیلیه، شاه فقط ناظری است که باید مراقب باشد تا طبقات اجتماعی درهم نیامیزد، زیرا اساس ویرانی و تباهی از نابودی طبقات اجتماعی ناشی می‌شود. درحقیقت، وجود طبقات اجتماعی و تقسیم کار در ارته‌شاستره ملموس‌تر است:

رعایت وظیفه فردی فرد را به سعادت نهایی می‌رساند. وقتی [وظایف/قانون] خراب شود، جهان به خاطر درهم‌برهمی طبقات و وظایف به پایان می‌رسد. بنابراین، شاه هرگز به مردم اجازه نخواهد داد که از وظایفشان سرپیچی کنند (ارته‌شاستره، کتاب اول، فصل ۳، بند ۱۶؛ Olivelle, 2013: 68).

و اکیداً توصیه شده است که پادشاه برای گذران امور باید کارها را به دست عمال خود بسپارد و خود دخالتی مستقیم در آن نداشته باشد، زیرا در شأن پادشاه نیست که با مردم عادی مراودت داشته باشد. نگاه کاوتیلیه، در واقع، نگاهی واقع‌بینانه است و توقع تکریم مردم از سوی پادشاه را ندارد. حقیقت این است که تمام شاهان مردم را دست‌کم می‌گرفته‌اند، و گرنه دیگر شاه نبوده‌اند، و کاوتیلیه هم به خوبی این موضوع را می‌دانسته است؛ ضمن اینکه نظام طبقاتی شدید در هند در ایجاد چنین دیدگاهی دخیل بوده است. با این حال، به نظر می‌رسد توصیه‌های خواجه در ارتباط با مردم بیشتر شعاری

هستند. در *ارتهه‌شاستره*، شاه فقط در امر انتخاب وزیران به‌طور مستقیم با جاسوسان در ارتباط است و در دیگر موارد، جاسوسان با وزیران و مقامات عالی‌رتبه در ارتباط هستند: به نظر کاوتیلیه، شاه با ملکه‌اش هرگز نباید در آزمایش‌هایی که ویژگی‌های مشاورانش را تعیین می‌کنند شرکت داشته باشد و پاک‌اش را مانند مخلوط کردن آب با زهر ناپاک نکند (کتاب اول، فصل دهم، بند ۱۶).  
با رایزنی مشاوران و روحانیانش، او (شاه) باید با پیشنهادهای وسوسه‌انگیز، ویژگی آن وزیران گمارده‌شده را در بخش‌های دولتی برای کارهای جاری بیازماید (کتاب اول، فصل دهم، بند ۱).

به هر حال، ضمن اینکه پادشاه و شهبانو، خود، هرگز نباید جاسوسی کنند، یک سازمان جاسوسی تشکیل می‌شود که سلسله‌مراتب آن و شیوه کار آن‌ها در کتاب اول، فصول ۱۱-۱۲ به‌روشنی توضیح داده شده است؛ برای نمونه:

به یاری وزیرانش که خود با جاسوسی آزمایش شده‌اند، شاه باید به معین کردن جاسوسان بپردازد؛ جاسوسانی که در لباس شاگرد حيله‌گر (کپتیکه-چهاتره)، خلوت‌نشین (اوداسته‌تیه)، خانه‌دار (گرهه‌پتیکه)، بازرگان (ویدیکه)، زاهد ریاضت‌کش (تپسه)، هم‌شاگردی یا همکار (ساتری)، بی‌پاک (تیکشنه)، زندانی (رسده) و گدای زن (بهیکشوک) هستند (کتاب اول، فصل ۱۱، بند ۱).

خواجه در کتاب *سیاست‌نامه* به اهمیت نظارت و جاسوسی واقف است و چنین می‌گوید که «واجب است بر پادشاه از احوال رعیت و لشکر و دور و نزدیک خویش بررسییدن ...» (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۷۴)، و عنوان می‌کند «نباید جز پادشاه کسی دیگر بداند که ایشان چه می‌نمایند» (همانجا). اما چگونگی این نظارت و یا چگونگی کار جاسوسان را شرح نداده است. با این حال، دخالت پادشاه را در امر نظارت کاری مذموم نمی‌داند و حکایت‌های فراوانی نقل کرده که نشان می‌دهد که شاه علی‌رغم اینکه جاسوسانی را به کار گمارده، گاهی اوقات به‌طور ناشناس برای آگاهی از امور عازم می‌شود و خود کاشف حقیقت است. نمونه آن را می‌توان در حکایت بهرام گور و وزیر خائن در فصل چهارم *سیاست‌نامه* دید:

بهرام آن روز و آن شب در اندیشه همی مشغول بود. هیچ معلوم نگشت که این خلل از کجاست. دیگر روز، از دل مشغولی، تنها برنشست و روی به بیابان نهاد ... مردی از خیمه برون آمد و بر او سلام کرد و ... نشناخت که او بهرام است ... [بهرام] چون از آنجا بازگشت، همه راه در این حال تفکر می‌کرد تا بر اندیشه او بگذشت که «رعیت ما رمة مایند و وزیر ما امین ما و احوال مملکت را سخت آشفته و با خلل می‌بینم و از هرکه می‌پرسم با من به راستی نمی‌گویند و پوشیده می‌دارند. تدبیر من آن است که از حال رعیت و راست‌روشن<sup>۱۹</sup> بر رسم (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷).

آن‌طور که از مطالب کتاب دوم *ارته‌شاستره برمی‌آید*، شاید بتوان گفت که هند در دوران کاوتیلیه، به‌ظاهر، به مفهوم دولت‌شهر نزدیک‌تر بوده است. با این حال، گرچه نظام همکاری و سازمانی در کتاب *ارته‌شاستره* بیشتر به چشم می‌خورد و به‌وضوح از مشاغل و طبقات اجتماعی بیشتر سخن گفته شده است، این بدان معنا نیست که در ایران فقط یک نفر و آن هم شاه تمام امور را اداره می‌کرده است و قطعاً یک نظام همکاری و اداری نیز معمول بوده است. اما تفاوت اصلی در نوع نگاه خواجه و کاوتیلیه است. در هند، نظام طبقاتی سخت‌تری نسبت به ایران وجود داشته است. از نظر کاوتیلیه، تقسیم کار بر اساس این طبقات بوده و برای او جنبه کاربردی نوشته‌هایش مهم‌تر بوده است. او کاری به این ندارد که راهکارهایش به مذاق پادشاه خوش می‌افتد یا نه و درگیر تعریف و تمجید از پادشاه نشده است. اما در ایران، ضمن اینکه نظام طبقاتی به شدت هند وجود نداشته، ظاهراً فردی به‌جز شاه نباید به چشم می‌آمده است و گویا خواجه نظام‌الملک باید بیشتر نظر شاه را جلب می‌کرده و خشنودی او بیشتر مد نظر بوده تا راهکاری عملی. درحقیقت، شاه ایرانی خودکامه‌تر و شاه هندی پیرو نظام سنتی طبقاتی بوده و اوامرش از همان طریق اجرا می‌شده است.

کاوتیلیه شیوه مدیریت کشور را در امور مختلف (اداری، حقوقی و سیاست خارجی) تبیین کرده و سازوکار آن را شرح داده و به این نتیجه رسیده که پول و ثروت برای تحقق خواسته‌ها امری ضروری است و مهم‌ترین عامل دوام حکومت‌ها است. بنابراین، شاه از طریق صرف هزینه و از راه علم اقتصاد است که می‌تواند سپاهی را جمع‌آوری کند و همه‌کار را مدیریت کند: «بدین‌وسیله (با اقتصاد)، شاه با به‌کارگیری پول و سپاه، هم حریم خود و هم حریم دشمنانش را زیر نظر می‌گیرد» (*ارته‌شاستره*، کتاب اول، فصل ۲، بند ۲؛ Olivelle, 2013: 69).

نظام‌الملک درباره نقش پول و ثروت در اداره کشور سخنی به میان نیاورده و بیشتر بر عدالت‌خواهی پادشاه توصیه کرده است. از نظر او، پادشاه باید اخلاق‌مدار باشد.

#### ۴-۳. ویژگی‌های پادشاه

مطالبی که کاوتیلیه و خواجه نظام‌الملک درباره ویژگی پادشاه ذکر کرده‌اند بی‌تأثیر از جهان‌بینی آنان نبوده است و لازم به ذکر است که هر دو نویسنده به نظریه سیاسی خاستگاه الهی حکومت باور داشته‌اند. باورهای کاوتیلیه برگرفته از اسطوره‌ها و باورهای هندو است. بنابراین، شاهی که او توصیف می‌کند همان است که بنا بر باورهای هندو باید باشد - از طبقه کشتریه. همچنین شاهان یا فرمانداران باید بر حواس خود مسلط

باشند. در اثر این کار، مردم به او گرایش پیدا خواهند کرد و اگر این کار را نکنند، خشم مردم برانگیخته خواهد شد و خشم آنان بزرگ‌ترین خشم‌هاست و از این نظر، کاوتیلیه با افلاطون هم‌عقیده است. شاه آرمانی کاوتیلیه عاشق خرد و نیز مرد عمل است. او ترکیبی از میانه‌روی و جوانمردی است (Sil, 1989: 44). برای نمونه، در *ارته‌شاستره* در وصف پادشاه چنین آمده‌است:

آن شاهی که خوب تعلیم‌دیده و منضبط به علوم است مؤظف به حکومت خوب به زبردستانش است و قاطعانه خواهان خوبی به همه مردم است و [همگان] از زمین بدون درگیری لذت خواهند برد (*ارته‌شاستره*، کتاب اول، فصل ۱۰، بندهای ۱۶-۱۸).

کاوتیلیه پنج ویژگی کلی را برای شاه عنوان می‌کند: ۱. ثروت را در صورت نیاز خرج می‌کند؛ ۲. دوست‌دار فضایل اخلاقی است؛ ۳. از همراهی با دوستان و خویشاوندان در خوشی‌ها لذت می‌برد؛ ۴. در یادگیری علوم و سواس به خرج می‌دهد؛ ۵. جنگنده خوبی است (Sil, 1989: 44).

خواجه نظام‌الملک شیوه حکومت‌داری شاهنشاهی ساسانی را نیز خوب می‌دانسته است. این شیوه نوعی حکومت دینی بوده که از دیر باز در ایران رواج داشته است و شاه جانشین خداوند بر زمین قلمداد می‌شده است. به عبارتی، شاه می‌بایستی فره ایزدی داشته باشد. خواجه نیز همین الگوی ذهنی را در سر داشته؛ توصیه‌ها و پند و اندرزهایی که ارائه داده است چکیده‌ای از اندرزها و راهکارهای پیشینیان، به‌ویژه اندرزنامه‌های کتاب‌های فارسی میانه، است (نک اکبری، ۱۳۸۶: ۹-۳۴). با این حال، چکیده نظریات او درباره پادشاه این است: ۱. پادشاه برگزیده از سوی خداست؛ ۲. وظیفه او آرامش جهان و خلق و برقراری عدل است؛ ۳. خوش‌خلق و خوی، دلیر، سوارکار، دانشمند، سلاح‌شناس، هنرمند، شفیق، وفادار به عهد، دین‌درست است؛ ۴. فضائل را به‌جا می‌آورد، صدقه‌ده، نرم‌خو با زبردستان، مانع برای ستمکاران، پرهیبت در نظر دشمنان و خارجیان است؛ ۵. دیگران خراج‌گزار اویند (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۷۵).

گرچه خواجه نظام‌الملک متأثر از جهان‌بینی اسلامی بوده است، باور به فره شاهی و شاه آرمانی باستانی نیز در او و در جامعه ایرانی دوران وی نهادینه شده بوده است. (همو، ۱۳۹۳: ۵). او پیرو مذهب شافعی اصول اشعری بوده است و مردی سخت‌متعصب که تمام گفتار او رنگ دینی داشته و جز اعتقادات خود همه‌چیز را نفی کرده و در مقام وزارت گویا کوشیده است تا پیروان دیگر مذاهب را از میان ببرد (انوری، مقدمه بر *سیاست‌نامه*، نک نظام‌الملک، ۱۳۹۳: سی-سی‌ویک). برای نمونه، پنج فصل مهم کتاب را به شرح احوال قرمطیان، اسماعیلیان، مزدکیان، گبریان و خرم‌دینان اختصاص داده‌است و

تعصب بسیار در این بخش‌ها به چشم می‌خورد. به نظر جعفر شعار (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: پانزده) هدف او از نگارش این فصول تحکیم مبانی دین اسلام و رد فرقه‌های دیگر، به‌ویژه باطنی‌گری، بوده است.

دست آخر، پادشاه مطلوب در نظر خواجه همان پادشاه سلجوقی است که او مقام وزارتش را دارد. این امر را خود او به دو دلیل دانسته: نخست اینکه پادشاهی از دوران افراسیاب در خاندان آنان بوده است؛ دوم اینکه شاه دارنده کرامت‌ها و بزرگی‌های پادشاهان جهان است (همو: ۷). می‌توان این‌طور برداشت کرد که در نهایت، آنچه نوشته می‌شده می‌بایست به مذاق پادشاه خوش بیاید. اما کاوتیلیه پادشاه خاصی را خطاب نمی‌کند و کتاب او برای دلخوشی فردی خاص نوشته نشده است.

#### ۴-۴. مسائل اجتماعی و زنان

ارتهه‌شاستره به زنان نیز توجه کرده و مسائل آنان را مطرح کرده است. برای نمونه در کتاب سوم، بخش ۳ و ۴، درباره وظایف آنان و نیز ازدواج بحث کرده است. اما سیاست‌نامه، افزون بر اینکه ضدزن است (ر.ک خواجه نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۲۱۷ به بعد)، به مسائل زنان توجه نیز نکرده است.

اگر زنی هیچ فرزندی نیاورد، یا هیچ فرزند ذکوری نداشته باشد، یا نازا باشد، شوهرش [پیش از ازدواج مجدد] باید هشت سال برای او صبر کند. اگر او تنها یک فرزند مرده به دنیا بیاورد، او (شوهر) باید ده سال صبر کند. اگر تنها دختر به دنیا بیاورد، او (شوهر) باید دوازده سال صبر کند. پس از این، اگر مایل بود پسر داشته باشد، می‌تواند ازدواج کند (ارتهه‌شاستره، کتاب سوم، فصل دوم، بندهای ۳۸-۴۰).

همچنین کاوتیلیه درباره سن ازدواج و قانونی هم بحث کرده است و نشان می‌دهد که به مسائل اجتماعی توجه داشته است:

زن در سن دوازده‌سالگی‌اش به سن قانونی می‌رسد و مرد وقتی که شانزده‌ساله شود. اگر پس از این (رسیدن به سن قانونی)، در انجام وظایف زناشویی کوتاهی کنند، زنان به پانزده پنه<sup>۲</sup> و مردان به دوبرابر این مقدار جریمه خواهند شد (همان، کتاب سوم، فصل سوم، بند ۱).

از آنجایی که کاوتیلیه مسائل اجتماعی و حقوقی را تبیین کرده، می‌توان گفت که کتاب ارتهه‌شاستره در این زمینه‌ها نیز عملی‌تر و کاربردی‌تر از سیاست‌نامه خواجه است.

#### ۵-۴. عدالت و توازن

درباره عدالت در کتاب سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک شواهد آن اندازه فراوان است که آوردن یک‌یک آنان در این مقاله نمی‌گنجد و روشن است که از نظر خواجه، عدالت از

ویژگی‌های مهم پادشاهی بوده است، تاجایی که حتی به رعایت عدل درباره حیوانات از سوی پادشاهان توصیه شده است:

بنده این حکایت از آن یاد کرد تا خداوند عالم خَلْدَاللهُ مُلْکَه بداند که بخشودن چون نیکو خصلتی است؛ بدانکه بر میشی و سگی ببخشوندند، به هر دو جهان این درجه و منزلت یافتند. پس بیاید دانست که اگر کسی بر مسلمانی که درمانده باشد ببخشد او را دست گیرد، خدای تعالی چه ثواب ارزانی دارد و چون پادشاه وقت خدای ترس و عاقبت‌اندیش باشد، به همه حال عادل تواند بود و عادل همیشه بخشاینده مهربان تواند بود و چون پادشاه چنین باشد، گماشتگان و لشکر او همه چنین شوند و سیرت او گیرند، لاجرم خلق خدای در راحت افتد و ثمرت این به هر دو جهان بیابند ... (نظام‌الملک، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

از نظر خواجه، ظلم باعث هرج و مرج در طبیعت نیز خواهد شد. نظرات وی درباره عدل چیز بدیع و تازه‌ای نیست، بلکه تداوم سنت ایرانیان باستان و نیز احادیث و روایات دوره اسلامی و آیات قرآن است، اما اینکه عدل عامل نظم و پادشاهی و مانعی برای آشوب و درگیری باشد و در نهایت باعث دوام شاهی شود قابل تأمل است و از نظر سیاسی نوعی راهبرد به شمار می‌رود (امیدسالار، ۱۳۷۶: ۶۵). آنچه مشهود است اینکه در سیاست‌نامه، عدل عامل بقای حکومت و مانع هرج و مرج است. در حالی که در *ارتهه‌شاستره*، همان‌طور که پیش‌تر آمد، حفظ طبقات اجتماعی و جلوگیری از آمیختگی آن‌ها، عامل ثبات است.

در *ارتهه‌شاستره* نیز شواهد گوناگونی در زمینه حفظ نظم وجود دارد که در زیر برای

آگاهی اجمالی از دیدگاه کاتیلیه به ضرورت تنبیه از نظر او اشاره می‌شود:

آنچه ضمانت و امنیت را برای منطق، وداهای سه‌گانه و اقتصاد فراهم می‌کند عصای شاهی (دنده) است؛ [و] سازوکارش (نیتی) فرمانروایی (دنده‌نیتی) است.<sup>۲۱</sup> فرمانروایی در جست‌وجوی این است که آنچه به دست نیامده به دست بیاورد، آنچه به دست آمده حفظ کند، آنچه را حفظ شده بیافزاید، و آنچه را افزوده شده به شایستگان اعطا کند. عملکرد درست این جهان به آن (فرمانروایی) بستگی دارد. «هر آنکه مشتاق پیشرفت جهان است، عصایش را بالا بگیرد (اودایاتادنده). هیچ وسیله دیگری بهتر از این عصا نمی‌تواند مردم را به انقیاد درآورد». این را آموزگاران می‌گویند. اما کاتیلیه [می‌گوید] نه. هر که تنبیه شدید اعمال کند، در نظر مردم نفرت‌انگیز خواهد شد. در ضمن، آنکه تنبیه ملایم کند، پست خواهد شد. اما هر آنکه تنبیه را به اندازه شایسته اعمال کند، ستودنی است. وقتی که تنبیه با این ملاحظات اعمال شود، مردم را وقف راستی می‌سازد و به کار تولید ثروت و برخورداری [وامی‌دارد]... اما اگر قانون تنبیه تعلیق شود، باعث آشفتگی و بی‌نظمی خواهد شد، همان‌طور که در ضرب‌المثل ماهی اشاره شده است.<sup>۲۲</sup> در غیاب دادرسی (تنبیه‌کننده / دنده‌دهرا بهاوه)، توانمند ناتوان را خواهد

بلعید. اما با حمایت وی (دادرس)، او (ناتوان) ایستادگی می‌کند. این مردم (لوکه)، از چهار طبقه و چهار نظم زندگی مذهبی، وقتی به دست شاه [و] عصایش (تنبیه) حکومت شوند، به انجام قانون و وظایف مخصوص خود مؤظف می‌شوند و راه‌های مربوط به خود را دنبال خواهند کرد (ارته‌شاستره، کتاب اول، فصل ۴، بندهای ۳-۱۶).

تفاوت کار خواجه با کاوتیلیه در این است که خواجه بیشتر بر ثواب معنوی عدل تأکید کرده و در مرتبه بعدی، راحتی خلق را ثمره عدل دانسته است. او سرتاسر کتابش، موضوع عدل و عدالت‌خواهی را لابه‌لای مطالب کتاب آورده است، اما کاوتیلیه عدالت‌خواهی را پررنگ نکرده و حفظ طبقات را ضامن نظم دانسته است.

## ۵. نتیجه

از مجموع مطالبی که در این جستار درباره دو کتاب *ارته‌شاستره* کاوتیلیه و *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک گفته شد، می‌توان در دو دسته شباهت‌ها و تفاوت‌ها سخن گفت:

الف) **شباهت‌ها:** ۱. هر دوی این کتاب‌ها در زمینه مملکت‌داری و اداره کشور نگاشته شده‌اند؛ ۳. هر دو نویسنده به اوضاع دربار آشنایی داشته‌اند و سازوکار آن را خوب می‌دانسته‌اند؛ ۴. هر دو کتاب، درحقیقت، دربردارنده اندرزهای پیشینیان است و هر دو نویسنده اعتراف کرده‌اند که آنچه پیشینیان گفته‌اند آن‌ها گردآوری کرده‌اند؛ ۵. هر دو نویسنده جهان آینده را نگرسته و باورهای مذهبی را پیش چشم داشته‌اند؛ ۶. در هر دو کتاب درباره ویژگی‌های جامعه خوب و آرمانی و نیز شاه آرمانی صحبت شده است؛ ۷. مخاطب هر دو کتاب شاه است.

ب) **تفاوت‌ها:** ۱. مطالب و فصل‌بندی *ارته‌شاستره* بسیار منظم و موضوعات تکراری آن بسیار اندک است، درحالی‌که در *سیاست‌نامه*، یک موضوع (اغلب عدل) در قالب حکایت‌های بی‌شمار تکرار شده و گویا مجموعه‌ای از حکایت‌های پراکنده است؛ ۲. در *ارته‌شاستره*، کاوتیلیه ساختار جامعه سیاسی را توصیف کرده و سپس برای اداره هرکدام راهکار ارائه کرده، درحالی‌که خواجه نظام‌الملک به‌ظاهر تنها برای عبرت شاه و اندرز بدو مطالبی را در حد چند حکایت گردآوری کرده و طرح منسجمی نداشته است؛ ۴. در *ارته‌شاستره*، شخصیت شاه محوری نیست، بلکه اداره کشور و شیوه‌های آن برجسته است. اما در *سیاست‌نامه* گویی شاه در همه بندها حضور دارد و با اینکه قطعاً برای هر کار مأموری وجود داشته، حضور شاه بسیار برجسته و پررنگ‌تر است، تاحدی که نقش دیگران، آنچنان که باید، به نظر نمی‌آید؛ ۵. در *ارته‌شاستره* به امور و مسائل زنان و



نیز مسائل اقتصادی توجه شده است، درحالی که در *سیاست‌نامه*، زنان بااهمیت تلقی نشده‌اند و دربارهٔ مسائل اقتصادی (جز اقطاع، آن هم کوتاه) سخنی گفته نشده است؛ ۶. کاوتیلیه و خواجه هر دو باورهای مذهبی دارند و نظریهٔ سنتی خاستگاه الهی حکومت را قبول دارند. اما خواجه نظام‌الملک تعصب دینی دارد و کاوتیلیه ندارد، یا دست‌کم در کتابش چنین چیزی مشهود نیست؛ ۷. خواجه همواره رضایت شاه و خشنودی او را در نظر داشته است، اما کاوتیلیه خود را مقید به تعریف و تمجید از شاه نکرده است؛ ۸. مسئلهٔ عدل برای خواجه خیلی مهم و محوری است، درحالی که برای کاوتیلیه حفظ طبقات اجتماعی مهم‌تر است.

به‌طورکل، *سیاست‌نامهٔ* خواجه بیشتر درس‌نامه‌ای اخلاقی برای شخص شاه و خشنودی اوست. تعریف خواجه از سیاست خیلی کلی است و در نهایت عدل را بزرگ‌ترین ثواب پادشاه برمی‌شمارد و طرح و برنامه‌ای جامع برای ادارهٔ کشور ندارد. اما کاوتیلیه در *ارتهه‌شاستره* ابتدا به وجود علم سیاست قائل است و آن را در مکاتب گوناگون شناختی زمانهٔ خود تعریف می‌کند؛ سپس به ارائهٔ راه‌کارهای کاربردی در همهٔ زمینه‌های ادارهٔ امور کشور می‌پردازد و اقتصاد و تعلیم و تربیت را نیز جزئی از علم سیاست به شمار می‌آورد. بخش‌بندی کتاب کاوتیلیه نشان از این دارد که او تمام مشاغل زمانهٔ خود را لحاظ کرده و به تمام علوم آن دوره و شیوه‌های آن به‌طور منظم و قاعده‌مند توجه کرده و به‌عبارتی، ساختار جامعهٔ سیاسی را ترسیم کرده است. همچنین بیشتر از آنکه به خواسته‌های پادشاه و میل و سلیقهٔ او توجه کرده باشد، کتاب خود را براساس مصلحت کشور تألیف کرده است. کاوتیلیه همه چیز را، از جمله عدل را، در راستای حفظ طبقات اجتماعی و در نتیجه جلوگیری از هرج‌ومرج و ثبات پادشاهی دانسته است.

نتیجه آنکه، گرچه هر دو کتاب راه‌کارهایی برای اداره امور کشور داده‌اند، کتاب *ارتهه‌شاستره* در مقایسه با کتاب *سیاست‌نامهٔ* خواجه دقیق‌تر و جامع‌تر است و راه‌کارهای آن عملی‌تر و واقع‌بینانه‌ترند. درواقع، در اندیشه‌های هندی و ایرانی، حاکمیت منشأی الهی دارد، اما شیوهٔ این دو سیاست‌مدار در اساس با یکدیگر متفاوت است. به‌عبارتی، کاوتیلیه در عمل، سیاست را مقدم بر اخلاق دانسته و به‌حق نیای ماکیاولی به شمار رفته، در حالی که خواجه سیاست را با اخلاق عجین دیده و کتاب او از یک کتاب اخلاقی در زمینهٔ حکومتداری فراتر نمی‌رود، و با وجود اینکه در ایران کتاب‌های اندرزی و *سیاست‌نامه* فراوان نوشته شده‌اند، هیچ‌کدام نگاه علمی و عملی به سیاست نداشته و از شیوه‌ای مدون پیروی نکرده، بلکه در حد یک کتاب اخلاق باقی مانده‌اند، در صورتی که

کتاب *ارته‌شاستره* کتابی علمی و کاربردی در زمینه دانش کشورداری با اتکا به تجربه‌های عملی است. از این رو، در پاسخ به مسئله این مقاله، باید گفت که کتاب خواجه نظام‌الملک را نمی‌توان سیاست‌نامه (به معنی واقعی کلمه) نامید، زیرا تنها دغدغه این کتاب رعایت عدل و داد از سوی پادشاه و در نهایت حفظ خشنودی و پادشاهی اوست و شاید بتوان گفت که از منظر خواجه، سیاست فقط محدود به عدل و در نهایت، حفظ قدرت پادشاه بوده و دیگر جنبه‌های آن نادیده انگاشته شده است؛ به عبارتی، او به ندرت از نهادهای اجتماعی، مردمی یا دولتی سخن به میان آورده و اقتصاد جایگاهی در تفکر او نداشته است. همچنین، هیچ شیوه علمی هم برای اداره کشور ارائه نکرده و تنها از بایدها و نبایدها سخن گفته است و سپس به ذکر حکایت‌هایی پراکنده اکتفا کرده و حتی در فصول پایانی کتاب، به وقایع‌نگاری پرداخته و از موضوع اصلی کتاب منحرف شده است. فرجام سخن اینکه *سیاست‌نامه* خواجه، ضمن اینکه سیاست‌نامه نیست، تنها به ذکر بایدها و حکایت‌ها بسنده کرده، در حالی که *ارته‌شاستره*، پس از عبور از بایدها، در قالب طرحی منسجم، درباره راهکارها و شیوه‌های سیاسی بحث کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. vidya به معنای «دانش، علم، شناخت». از نظر برخی هندیان باستان، چهار چیز دانش به‌شمار می‌رود: ۱. وداهای سه‌گانه (trayī)؛ ۲. آنویکشیکی (ānvīkshikī) یا منطق و متافیزیک؛ ۳. دندنتی (danda-nīti) یا دانش فرمانروایی؛ ۴. وارتا (vārtā) یا هنرهای عملی مانند کشاورزی، بازرگانی و پزشکی. دانش در کتاب هفتم منو (بند ۴۳) چهارده بخش دارد (Monier-Williams, 1979: 963).
۲. śāstra در لغت به معنای «فرمان، توصیه، قانون، آموزه» و از ریشه śās- «فرمانروایی کردن» است. شاستره معمولاً پس از کلماتی می‌آید که موضوع یک کتاب یا رساله است و معنی دستورالعمل در آن موضوع خاص را می‌یابد (Ibid: 1068-1069).
۳. artha به معنای «سود، هدف، ثروت، علت» (Ibid: 90).
۴. pālana به معنای «محافظت، پرورش، دفاع» (Ibid: 613, 623).
۵. lābha به معنی «دستیابی، سود، فتح» از ریشه labh- «به‌دست آوردن، تصرف کردن، گرفتن» (Ibid: 896-897).

6. Dharmaśāstra

7. vṛ̥ thiḥ

8. Viṣ̣ nuguṣṭa

9. Canakya

10. Aśōkavardhana

11. Politik als Beruf (Politics as Vocation)

12. Shamastry

۱۳. adhikaraṇa اصطلاحی سنسکریت است به معنای «موضوع، عنوان» (Monier-Williams, 1979).

14. adhyāna

۱۵. śloka نوعی قالب وزنی است که در حماسه‌های هندی به‌کار رفته است و نمونه عالی نظم در ادبیات حماسی سنسکریت به‌شمار می‌رود. *راماینه* و *مهابهارته* به این قالب سروده شده‌اند. شلوکه شامل دو بیت و هر بیت دو

مصراع است و هرمصراع آن شانزده هجا دارد که از دو پاده (pāda) یا لنگه تشکیل شده است که هرکدام هشت هجا دارند.

16. Prakaraṇ a  
17. anvikshiki  
18. yukti

۱۹. rāst-rawiṣṇ نام وزیر بهرام گور ساسانی.

۲۰. واحد پول در هند.

۲۱. عصای شاهی درحقیقت، نقش تنبیه‌کننده نیز دارد؛ منظور کاوتیلیه این است که فرومانروایی از طریق تنبیه امکان‌پذیر است؛ به عبارتی، تنبیهی که دارای سازوکار باشد و هدفمند انجام شود، همان فرمانروایی است.

۲۲. «شاه‌ماهی یا ماهی بزرگ ماهی کوچک را می‌بلعد».

## منابع

نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی (۱۳۳۴). *سیاست‌نامه*، نسخه شفر، به اهتمام محمد قزوینی و مرتضی مدرس‌چهاردهی، تهران، طهوری.

\_\_\_\_\_ (۱۳۴۷). *سیرالملوک (سیاست‌نامه)*، به کوشش هیوبرت دارک، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). *سیاست‌نامه*، به کوشش جعفر شعار، چاپ هفدهم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

اکبری، امیر (۱۳۸۶). تأثیر نگرش‌های باستانی بر اندیشه‌های سیاسی عصر خواجه نظام‌الملک طوسی، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال دوم، شماره هفتم، ۹-۳۴.  
تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، تهران، سخن.

امیدسالار، محمود (۱۳۷۳). مفهوم عدالت در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک، *مجله ایرانشناسی*، شماره اول، ۵۲-۶۶.

Chousalker, A. S. 2004. Methodology of Kauṭilya's Arthashastra, *The Quarterly Indian Journal of Political Science*, Vol. 56, No.1, Jan-March: 55-76.

Fleet, J. F. 1914. Introduction note to *Kauṭilya's Arthaśāstra*, Vide Shamasastri, 1956.

Gowen, H. H. 1968. *A History of Indian Literature from Vedic Times to the Present Day*, New York: Greenwood Press.

Kangle, R. P. 1972. *The Kautīliya Arthaśāstra*, Part II, Second Edition, Bombay: Bombay University Press.

Kangle, R. P. 1986. *The Kauṭīliya Arthaśāstra*, Part III, Delhi: Motilal Banarsidass.

Keith, A. B. 1996. *A History of Sanskrit Literature*, Delhi: Motilal Banarsidass.

Liebig, M. 2014. Kauṭilya's Arthaśāstra: A Classical Text of Statecraft and Untapped Political Science Resource, *Heidelberg Papers in South Asian and Comparative Politics*, Working Paper No. 74, July 2014: 1-21. Retrieved June 15<sup>th</sup>, 2016 from world wide web: <http://hpsacp.uni-hd.de/>  
Majumdar, R. C. 1960. *Ancient India*, Revised Edition, Delhi: Motilal Banarsidass.

- Monnier-Williams, M. A. 1976. *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford: Oxford University Press.
- Olivelle, P. 2013. *King, Governance, and Law in Ancient India, Kautilya's Arthaśāstra*, New York: Oxford.
- Shamasastri, R. 1956. *Kautilya's Arthaśāstra*, Fifth Edition, Mysore: Sri Raghuvēer Printing Press.
- Sil, N. P. 1989. *Kautilya's Arthaśāstra: A Comparative Study*, Revised Edition, American University Studies, Series V, Philosophy [Reprint. Previously published in Calcutta: Academic publishers 1985], New York: Peter Lang Publishing, Inc.
- Weber, M. 1988. *Gesammelte Politische Schriften*, Tübingen: Mohr/UTB.
- Weber, M. 2008. *Religion und Gesellschaft. Gesammelte Aufsätze zur Religionssoziologie*, Frankfurt am Main: zweitausendeins.
- Winternitz, M. 1967. *History of Indian Literature*, Vol. II, Part II (Scientific Literature), Translated by Subhadra Jha, Delhi: Motilal Banarsidass.